

سارق مسلح در درگیری با پلیس کشته شد

دلهره بامدادی زیر رگبار گلوله

سید خلیل سجاد پور - سارق مسلحی که بامداد روز گذشته در یک مجتمع مسکونی با پلیس درگیر شده بود در حالی زیر رگبار گلوله ها کشته شد که درگیری مسلحانه به خیابان کشید و با مجروح شدن یکی از اهالی محل، صحنه های دلهره آوری رقم خورد.
به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای سرقت های مسلحانه خودرو در مشهد از حدود ۷ ماه قبل زمانی آغاز شد که جوان ۲۲ ساله ای به نام «یونس» در فضای اینستاگرام با مرد ۴۰ ساله ای آشنا شد که خود را «خلافکار» می نامید. ارتباط یونس و محمد خیلی زود صمیمانه شد و آن ها برای دیدار حضوری در پارک ملت مشهد قرار گذاشتند.

اولین ملاقات در حالی به گفت و گوهایی هیجانی انجامید که محمد ادعا می کرد پدر پولدارش گاو صندوقی پر از زبور آلات و ارزهای خارجی دارد که میلیارد ها تومان می ارزد. او ادامه داد: اما من با پدر و مادرم رابطه خوبی ندارم! حالا دیگر من به مردی خلافکار تبدیل شده ام و از هیچ جرمی روی گردان نیستم!

ساعتی بعد دو جوان مذکور در حالی تصمیم گرفتند تا یک باند مخوف سرقت مسلحانه را تشکیل بدهند که قرار شد در یک فرصت مناسب به پول ها و طلاهای پدر «محمد سی» هم دستبرد بزنند و یک شبه صاحب

میلیاردها تومان ثروت شوند. اما اولین تبهکاری مسلحانه آنان با طرح یک نقشه وحشتناک شروع شد.نهم بهمن سال گذشته بود که آگهی فروش یک دستگاه خودرو پژو ۲۰۷ مدل بالا در سایت دیوار خودنمایی کرد. دقایقی بعد «محمد» با فروشنده تماس گرفت و برای بازدید خودرو در بولوار «امیریه» قرار گذاشت. او سپس با «یونس» تماس گرفت و بدین ترتیب دو جوان مسلح به محل قرار رسیدند. بازدید ظاهری خودرو به پایان رسید و آن ها برای بازدید فنی از فروشنده خواستند تا بایکدیگر دوری بزنند! «یونس» در صندلی جلونشست و محمد نیز در حالی که اسلحه کلت کمری را از غلاف بیرون می کشید به آرامی در صندلی عقب جای گرفت. وقتی راننده به مکان خلوتی در بولوار امیریه رسید ناگهان لوله سلاح را روی شقیقه اش دید. از ترس به لرزه افتاده بود و با چهره ای وحشت زده پایش را روی پدال ترمز کوبید. راننده با تهدید به مرگ سارقان از خودرو پیاده

محل اصابت گلوله ها در مجتمع مسکونی

اظهارات این مال باخته در باره خودرو پژو ۲۰۷ سفید رنگ، سرنخ مهمی برای کارآگاهان شد چرا که دیگر اطمینان داشتند که سارقان مسلح با همان خودرویی که از منطقه الهیه سرقت کرده اند در سطح شهر تردمی کنند و مرتکب سرقت های مسلحانه دیگر می شوند. بنابر این گروهی ویژه از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ وحید حمیدفر (رئیس دایره سرقت های مسلحانه آگاهی) در حالی رصدهای اطلاعاتی را برای شناسایی خودرو پژو ۲۰۷ آغاز کردند که خودروی سرقتی توپوتا ساعتی بعد در منطقه شاندیز مشهد کشف شد چرا که در دان مسلح بعد از خاموش کردن خودرو، دیگر نتوانسته بودند آن را روشن کنند به همین دلیل با سرقت لوازم داخل آن و دیگر اموال را زورندودر خیابان های اطراف گم شدند. به گزارش روزنامه خراسان، این حادثه اگر چه شباهت زیادی به سرقت مسلحانه قبلی نداشت اما کارآگاهان را در حالی به تکاپو انداخت که احتمال وقوع سرقت های سریالی مسلحانه افکار آن ها را درگیر کرده بود. به همین دلیل سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) به پیگیری جدی پرونده های سرقت مسلحانه پرداخت و با صدور دستورات ویژه ای از کارآگاهان اداره جنایی خواست تا به ریشه یابی ماجرا بپردازند. با توجه به

این گزارش حاکی است: حلالا دیگر پلیس با یک باند سرقت مسلحانه روبه رو بود که به طور سریالی سرقت ها در مشهد ادامه می دادند به همین دلیل و باتاکید سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی)، رصدهای اطلاعاتی به صورت شبانه روزی با استفاده از فناوری های نوین شکل گسترده تری به خود گرفت تا این که عصر پنج شنبه گذشته، سرقت مسلحانه دیگری در مشهد، کارآگاهان را بی درنگ به سمت بولوار امامت کشاند چرا که در این حادثه تبهکاران مسلح اقدام به تیراندازی در شهر کرده بودند و جوی از رعب و وحشت به راه افتاده بود. چهارمین جوان مال باخته در باره چگونگی وقوع این حادثه به کارآگاهان گفت: خودروی من در ادر سایت دیوار برای فروش گذاشته بودم که جوانی با من در بولوار امامت قرار گذاشت تا خودرو را بازدید کند اما آن ها بایک دستگاه پژو ۲۰۷ به محل آمدند و با تهدید به مرگ مرا از خودرو بیرون انداختند و من هم که ترسیده بودم با یک خودروی عبوری به تعقیب در دان پرداختم ولی آن ها باتیراندازی در حالی مارا متوقف کردند که گوشی تلفن، چندین میلیون تومان پول و... درون خودروام بود. به گزارش روزنامه خراسان، با وقوع چهارمین سرقت بازمی بینی دور بین های ترافیکی مشخص کرد که سارقان مسلح پلاک های جعلی بر روی پژو ۲۰۷ نصب کرده اند. از سوی دیگر هم چهره آنان در سیستم پلیس ثبت شد و طولی نکشید که با ردیابی های اطلاعاتی و بهره گیری از امکانات فنی، در نهایت، چهره ترسیمی دزدان مسلح به دست آمد و مشخص شد که جوان ۲۲ ساله فردی به نام «یونس» است که در کانون اصلاح و تربیت نیز سابقه کفیری دارد. بنابر این تحقیقات پلیس بی درنگ وارد مرحله عملیاتی شد و کارآگاهان طی چند ساعت مخفیگاه جوان ۲۲ ساله را در کوی سیدی مشهد شناسایی کردند. آنان دوروز قبل و با کسب مجوز قضایی و دریک عملیات ضربتی از در دیوار منزل ویلایی بالا رفتند و با رعایت تدابیر امنیتی سارق ۲۲ساله را دستگیر کردند. او که ابتدا منکر هر گونه سرقتی بود بعد از ساعتی بازجویی های فنی در حضور رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی لب به اعتراف گشود و گفت: با محمد در فضای مجازی اینستاگرام آشنا شدم و او خودش را

فردی خلافکار می نامید و از من خواست تا برای دستبرد به گاو صندوق پدرش که مردی پولدار است همکاری کنم. خیلی زود باهم در پارک ملت قرار گذاشتیم و قبل از آن سرقت های مسلحانه خودرو را آغاز کردیم اما او فردی بسیار خطرناک است که حتی با اسلحه می خوابد و از کم دیواری منزلش به اتاق دیگر نقب زده است تا اگر به محاصره پلیس در آمدن ها را اغافلگیر و شلیک کند! با اعتراضات این جوان ۲۲ ساله، بلافاصله عملیات بامدادی برای دستگیری سارق مسلح ۴۰ ساله در حالی آغاز شد که کارآگاهان به جلیقه های ضد گلوله مجهز شدند و سرهنگ سلطانیان (رئیس اداره جنایی) فرماندهی مستقیم عملیات را با راهنمایی های شبانه رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی به عهده گرفت.

کارآگاهان در اطراف مجتمع مسکونی خیابان سجاده ۱۷ به چند گروه عملیاتی تقسیم شدند گروهی در پارکینگ استقرار یافتند که خودرو پژو ۲۰۷ با پلاک های جعلی در آن جایارک بود. گروه دیگر پشت در پله های اضطراری و یک گروه نیز درون مجتمع سنگر گرفتند چرا که احتمال درگیری مسلحانه وجود داشت اما آن ها قصد داشتند باتدبیر دیگری سارق مسلح را به پارکینگ بکشانند که در آن ساعت بامداد آسایش اهالی مجتمع مسکونی به هم نریزد. آن ها با همکاری یکی از اهالی محل و با این بهانه که شیشه های خودرو پژو ۲۰۷ پایین است با محمد (سارق مسلح) تماس گرفتند. اما او چند دقیقه بعد برای رفتن به پارکینگ، مقابل آسانسور قرار گرفت. در این هنگام یکی از نیروهای عملیاتی در پله های اضطراری را گشود اما سارق مسلح که به اوضاع مشکوک شده بود در یک حرکت سریع لوله سلاح را به سوی دو افسر آگاهی گرفت و ماشه را فشرد و لوله در سلاح او گیر کرد تا دوباره خواست آن را مسلح کند افسران عملیاتی جابه جاشدند و این گونه درگیری مسلحانه در اهروی مجتمع مسکونی شروع شد. گروه دوم عملیاتی با شنیدن صدای گلوله ها تلاش کردند محیط اطراف را محاصره کنند اما در میان رگبار گلوله ها سارق مسلح خشاب را تعویض کرد و باز هم به شلیک ادامه داد در همین حال یکی از افسران ورزیده آگاهی نیمی از پیکر او را هدف گرفت که از کنار دیوار بیرون بود. با شلیک گلوله، سارق مسلح مجروح شد اما در تاریکی شب از پله ها در حالی پایین رفت که گلوله ای نیز به یکی از اهالی مجتمع مسکونی اصابت کرده بود. آن مرد جوان با شنیدن صدای وحشتناک تیراندازی از منزل بیرون آمده بود و در میان باران گلوله ها به شدت زخمی شد به همین خاطر گروهی از کارآگاهان به یاری

شهروند مجروح شتافتند و سارق مسلح با استفاده از همین فرصت به خیابان سجاده ۱۹ گریخت. لحظاتی بعد کارآگاهان در چند شاخه عملیاتی به تعقیب سارق مسلح پرداختند و گروهی نیز به منزل وی در مجتمع مسکونی حمله کردند و حتی نصیحت های نامادری ام را نداشتند فقط سعی می کردند نجات زندگی ام بیابم. چند ماه بعد پدرم با دختر دیگری از اهالی روستای محل زندگی مان ازدواج کرد و این گونه نام «مادری» بر زندگی من سایه انداخت. پدرم کشاورزی می کرد و همواره در بیرون از منزل به سر می برد اما من از همان دوران کودکی در برابر نامادری ام جبهه گرفتم و به لج بازی با او پرداختم چرا که در مدرسه نیز مرا به عنوان فرزند طلاق می شناختند و این موضوع به عقده ای روانی بر ایم تبدیل شده بود حوصله ام ر نهی و حتی نصیحت های نامادری ام را نداشتم فقط سعی می کردم نمرات خوبی بگیرم تا از سوی دیگران سرزنش نشوم خلاصه درگیر ناامیامت دوران کودکی ام بودم که خواهر ناتنی ام متولد شد و این گونه زندگی من نیز رنگ دیگری گرفت چرا که پدرم نیز از من غفلت کرد و همه توجهات خانوادگی به سوی نوزاد تازه متولد شده چرخید در این شرایط روزهای سختی را می گذراندم تا این که ماجرای طلاق پسر عمویم بر من زبیا ها افتاد. او با نامزدش دچار اختلافات شدیدی شده بود و به همین دلیل در کشاکش جدایی از یکدیگر بودند. در همین روز ها من به بنا به تقاضای پدرم به منزل عمویم می رفتم و با دختر عمویم درس می خواندم چرا که او هم سن و سال من بود. طولی نکشید که خبر طلاق «اسحاق» به روستا رسید و خانواده عمویم را ناراحت کرد. حدود ۲ ماه بعد از این ماجرا روزی اسحاق به روستا آمد و ما نیز برای دور همی شبانه به منزل عمویم دعوت شدیم. آن جا بود که دختر عمویم به شوخی سخنی را درباره ازدواج من و اسحاق مطرح کرد و خیلی زود با توجه زن عمویم مواجه شد. چند روز بعد آن ها با هماهنگی پدرم به منزل ما آمدند و مرا که سیزدهمین بهار زندگی ام را می گذراندم برای اسحاق خواستگاری کردند. با آن که پسر عمویم ۱۷ سال از من بزرگ تر بود و علاقه قلبی برای ازدواج با او نداشتم اما در همان افکار کودکانه با خود می اندیشیدم اگر زودتر ازدواج کنم از شوخی های سارق مسلح به ناامد می رها می شوم بالاخره تصمیم خودم را گرفته می باشم و پای عقد نشستم. یک سال بعد جشن عروسی ما برگزار شد و من زندگی مشترکم را در منزل اجاره ای اسحاق در یکی از شهرک های حاشیه مشهد آغاز کردم. او مردی زحمت کش و کارگری بی ادعا بود به همین خاطر سعی می کردم همه امکانات رفاهی را بر ابرام فراهم کند تا جایی که حتی به من اجازه تحصیل داد اما با همه این خوبی هایش هیچ گاه نمی توانستم همدیگر را درک کنم رفتار و گفتار من برای او کودکانه جلوه می کرد و من هم نمی توانستم مانند او ببیندشم چرا که اختلاف سنی زیادی داشتیم و به همین دلیل همواره با هم درگیر بودیم. من در آغاز سن نوجوانی دختری بازگوش بودم و شیطنت می کردم ولی همسرم رفتاری باوقار داشت و همواره مرا نصیحت می کرد. این تنش ها و رفتارها به حدی رسید که دیگر حرمت زن و شوهری بین ما شکست و من مقابل او می ایستادم و لیس بازی می کردم ولی نکشیدم که به خاطر همین رفتارهای کودکانه، همسرم از ادامه تحصیل جلوگیری کرد و دیگر نمی گذاشت از خانه خارج شوم. او گوشی تلفنم را گرفت و حتی مرا از دیدن خانواده ام محروم کرد. وقتی صبح برای رفتن به سرکار از خانه خارج می شد در منزل را قفل می کرد و من روزهای سختی را می گذراندم. در این سن و سال بیشتر از همیشه به ظاهر خودم می رسیدم و اوقات زیادی را صرف آرایش و پوشش خودم می کردم. حالا دیگر خانه داری و شوهرداری را هم به فراموشی سپرده بودم و حتی زمانی که اسحاق اعتراض می کرد به روی او دست بلند می کردم به خانواده اش ناسزا می گفتم و ا هم بیشتر سخت گیری می کرد و اجازه نمی داد از خانه خارج شوم. او حتی در پی یک مشاجره لفظی ضربه ای به صورتم زد که بینی ام شکست و سپس موهای زیبا و رنگی ام را ز ته قیچی کرد تا مرا شکنجه روحی بدهد به همین دلیل وقتی او به سرکار می رفت من هم با کلیدیدی که در خانه مخفی کرده بودم از منزل گریختم و به کلانتری آمدم تا شاید چاره ای برای نجات زندگی ام بیابم...

به گزارش روزنامه خراسان حاکمی است با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ جعفر خانی (رئیس کلانتری پنجتن) بررسی های کارشناسی و روان شناختی این پرونده به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی